

An Analysis of the Role of Persian Literary Texts in Teaching Critical Thinking Skills to Non-Persian Speaking Learners Using Bloom's Cognitive Approach

Aqeel Fadel Karim Shuraida

Kurdish Studies Department, Karkh II Education Directorate, Ministry of Education

Received: 22/07/2025

Accepted: 08/12/2025

Corresponding
author:

skonoskoon@gmail.com

[m](#)

Doi:

<https://doi.org/10.3658>

[6/jcl.2.2026.0.53.0284](https://doi.org/10.3658/6/jcl.2.2026.0.53.0284)



Abstract

Literary texts serve as one of the key tools in developing cognitive skills and critical thinking among language learners. With their complex linguistic structures, multilayered meanings, and philosophical and ethical themes, these texts encourage learners to think more deeply and to evaluate diverse contents. The primary goal of this research is to analyze and assess the impact of literary texts in the Persian language on enhancing the critical thinking skills of non-Persian speaking learners using Bloom's framework of Educational Objectives. This research seeks to answer the following questions: 1) How can literary texts used in teaching the Persian language help strengthen the different cognitive levels of Bloom's framework for non-Persian speaking learners? 2) What are the types of literary texts that are the most suitable for strengthening each cognitive level?

This study employed a qualitative content analysis method, in which the linguistic, structural, and thematic features of selected literary texts are mapped onto Bloom's different cognitive levels (knowledge, comprehension, application, analysis, synthesis, and evaluation). The findings indicated that literary texts in the Persian language with diverse structures are suitable for strengthening various cognitive levels, although each text typically has one dominant cognitive level. Based on frequency analysis, Saadi's couplets were the most effective for the knowledge level, Hafez's ghazals and Sepehri's poems were for comprehension, Shariati's "Nowruz" was for application,

"The Amen Bird" and "O People" were for analysis, "Savushun" and "Missing Place for Soluch" were for synthesis, and "The Blind Owl" and "Kelidar" were for evaluation. Approaches such as critical literacy, New Criticism, and reader-response theories can also serve as complementary educational strategies in nurturing critical thinking among non-Persian speaking learners.

Keywords: Persian language education, critical thinking, Bloom's taxonomy, cognitive skills, non-Persian speaking learners.

تحلیل نقش متون ادبی فارسی در آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان با رویکرد شناختی بلوم

عقیل فاضل کریم شریده

گروه مطالعات کردی، اداره آموزش و پرورش کرخ دوم، وزارت آموزش و پرورش

چکیده

متون ادبی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در توسعه مهارت‌های شناختی و تفکر انتقادی در زبان‌آموزان عمل می‌کنند. این متون با ساختارهای پیچیده زبانی، معانی چندلایه و موضوعات فلسفی و اخلاقی، فراگیران را به تفکر عمیق‌تر و ارزیابی محتواهای مختلف ترغیب می‌نمایند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و ارزیابی تأثیر متون ادبی به زبان فارسی بر تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان با استفاده از چارچوب طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی بلوم می‌باشد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها است: ۱) متون ادبی مورد استفاده در آموزش زبان فارسی چگونه می‌توانند به تقویت سطوح مختلف شناختی بلوم در زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان کمک کنند؟ ۲) کدام انواع متون ادبی برای تقویت هر سطح شناختی مناسب‌تر هستند؟ در این پژوهش، از روش تحلیل کیفی محتوای متون ادبی منتخب استفاده شده است. در این روش، ویژگی‌های زبانی، ساختاری و محتوایی متون با سطوح مختلف شناختی بلوم (دانش، فهمیدن، به‌کار بستن، تحلیل، ترکیب و ارزیابی) تطبیق داده شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد متون ادبی به زبان فارسی با ساختارهای متنوع برای تقویت سطوح مختلف شناختی مناسب هستند؛ هرچند در هر متن، یک سطح شناختی غالب است. بر اساس تحلیل بسامد، ابیات سعدی بیشتر برای سطح دانش، غزلیات حافظ و اشعار سپهری برای فهمیدن، "نوروز" شریعتی برای به‌کار بستن، "مرغ آمین" و "آی آدم‌ها" برای تحلیل، "سوشون" و "جای خالی سلوچ" برای ترکیب، و "بوف کور" و "کلیدر" برای سطح ارزیابی کارایی بیشتری دارند. رویکردهای دانش انتقادی، نقد نوین و واکنش خواننده نیز می‌توانند به عنوان راهبردهای آموزشی مکمل، در پرورش تفکر انتقادی زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان مؤثر باشند.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان فارسی، تفکر انتقادی، طبقه‌بندی بلوم، مهارت‌های شناختی، زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان.

1. مقدمه

در سال‌های اخیر، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی در کنار آموزش زبان، به یکی از چالش‌های مهم حوزه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان تبدیل شده است. متون ادبی با برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فرد خود، ظرفیت قابل توجهی برای پرورش این مهارت‌ها دارند، اما کمتر به صورت سیستماتیک و هدفمند مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بررسی منابع آموزشی موجود نشان می‌دهد که علی‌رغم استفاده از متون ادبی در کتاب‌های آموزشی، معمولاً این متون صرفاً برای آموزش واژگان و ساختارهای زبانی به کار می‌روند و قابلیت‌های آنها برای پرورش لایه‌های عمیق‌تر تفکر مورد غفلت قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش متون ادبی در تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان انجام شده است. تفکر انتقادی به عنوان یکی از ارکان مهم در تربیت شناختی و تربیت جامع فردی، به‌ویژه در زمینه آموزش زبان، نقش اساسی در فرآیند یادگیری دارد (عالی پور، 1401، ص 6). در این راستا، متون ادبی به عنوان ابزاری کارآمد در آموزش زبان می‌توانند به شکوفایی تفکر انتقادی زبان‌آموزان کمک کنند (امینی، 1398، ص 15). متون ادبی به‌ویژه به دلیل ویژگی‌های پیچیده زبانی، ساختارهای معنایی چندلایه و همچنین پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی که در خود دارند، می‌توانند ابزاری مؤثر در پرورش توانمندی‌های شناختی و تحلیلی زبان‌آموزان باشند (احمدی، 1403، ص 47). اما باوجود این ظرفیت‌ها، در منابع آموزشی موجود، کمتر به‌طور تخصصی و هدفمند از این ویژگی‌ها بهره‌برداری شده است (موسوی، 1398، ص 22). پژوهش حاضر درصدد تحلیل و ارزیابی تأثیر متون ادبی به زبان فارسی بر تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و ارتقای سطوح مختلف شناختی بر اساس طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی بلوم است. تفکر انتقادی به عنوان فرایندی پیچیده که شامل تجزیه و تحلیل، ارزیابی و قضاوت در مورد اطلاعات و استدلال‌های مختلف است، در حوزه آموزش زبان اهمیت ویژه‌ای دارد (Divsar, 2020, p. 23). این مهارت، که در طبقه‌بندی بلوم به سطوح مختلف شناختی اعم از درک، تحلیل، ترکیب، و ارزیابی تقسیم‌بندی می‌شود، می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا نه تنها زبان را به‌طور مؤثر بیاموزند، بلکه توانایی استفاده از زبان در سطوح بالاتر همچون استدلال منطقی، تحلیل انتقادی و توانمندی تولید گفتار و نوشتار پیچیده را در خود تقویت کنند (Rahman, 2017, p. 245). در فرآیند یادگیری زبان، پرورش تفکر انتقادی موجب می‌شود که زبان‌آموزان توانمندتر در مواجهه با متن‌های زبانی و فرهنگی باشند و به‌ویژه در آموزش زبان‌های خارجی، مفاهیم و معانی پنهان را بهتر درک کنند (Aghaei, 2018, p. 22). از این‌رو، تفکر انتقادی نه تنها به عنوان یک ابزار شناختی بلکه به عنوان یک نیاز ضروری در نظام آموزشی زبان‌محور مطرح است (تیمورزاده، 1400، ص 63). آموزش تفکر انتقادی در فرآیند یادگیری زبان با چالش‌های متعددی روبرو است. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از فقدان روش‌های آموزشی مناسب، کمبود منابع طراحی شده برای تقویت سطوح بالای تفکر، و نبود الگویی مشخص برای استفاده از متون ادبی در جهت پرورش تفکر انتقادی. پژوهش‌های متعددی به بررسی این چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای رفع آنها پرداخته‌اند (اکبریان دهقانی، ص 23) در پژوهش خود نشان می‌دهد که شیوه‌های سنتی آموزش زبان کمتر به پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی توجه دارند و نیاز به بازنگری در روش‌های آموزشی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، عدم وجود شیوه‌های آموزشی مؤثر در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی در متون آموزشی است (وکیلی فرد، 1400، ص 235). بسیاری از منابع آموزشی موجود، علی‌رغم استفاده از متون ادبی، بیشتر به مهارت‌های زبانی اولیه مانند گرامر و واژگان پرداخته و از این‌رو از به کارگیری متون ادبی برای تقویت سطوح شناختی و تفکر انتقادی غافل مانده‌اند (حجتی، 1400، ص 58). این امر به‌ویژه در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان محسوس

است، چرا که این منابع معمولاً از متون ادبی در سطوح ابتدایی و میانه استفاده می‌کنند و نقش متون ادبی در ارتقای تفکر انتقادی و تحلیل‌های شناختی در سطوح پیشرفته به‌طور چشمگیری نادیده گرفته می‌شود (عموآبایی مقدم، 1400، ص 55). این چالش‌ها نیازمند بازنگری در انتخاب و طراحی متون آموزشی و نحوه استفاده از آن‌ها برای تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی زبان‌آموزان است (Kohzadi, 2014, p. 63). در سال‌های اخیر، پژوهش‌های مختلفی در زمینه ارتباط متون ادبی و تفکر انتقادی در آموزش زبان انجام شده است (Jebeliadeh, 2025, p. 23). دیوسر و همکاران (2020) در تحقیقی به بررسی اهداف آموزشی برنامه‌های درسی مصوب ادبیات انگلیسی ایران در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بر اساس طبقه‌بندی بازنگری شده بلوم پرداختند و نشان دادند که در مقطع کارشناسی بیشتر به مهارت‌های تفکر سطح پایین توجه شده، در حالی که در مقطع کارشناسی ارشد، مهارت‌های تفکر سطح بالاتر به‌ویژه در زمینه تحلیل و ارزیابی غالب هستند (دیوسر، 2020، ص 29). در تحقیقی دیگر، سجادی راد و همکاران (1400) به طراحی الگوی آموزشی برای تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی در دانش‌آموزان پرداختند و نشان دادند که این الگو موجب افزایش مهارت‌های تفکر انتقادی و تحلیلی در دانش‌آموزان شده است. این مطالعات بر لزوم استفاده از الگوهای آموزشی هدفمند برای تقویت تفکر انتقادی تأکید دارند (سجادی راد، 1400، ص 113). با وجود پژوهش‌های موجود در زمینه متون ادبی و تفکر انتقادی، هنوز شکاف‌هایی در این حوزه وجود دارد. بیشتر پژوهش‌ها به بررسی ارتباط بین برنامه‌های درسی و تفکر انتقادی پرداخته‌اند، در حالی که کمتر به تأثیر ویژه متون ادبی فارسی در تقویت سطوح مختلف تفکر انتقادی و شناختی توجه شده است (حیاتی مهر، 1400، ص 16). علاوه بر این، ارزیابی نحوه تأثیرگذاری متون ادبی فارسی در سطوح پیشرفته برای تقویت تحلیل، ترکیب، ارزیابی و تولید در زبان‌آموزان، از جنبه‌های کمتر بررسی‌شده است. به همین دلیل، این پژوهش قصد دارد با تحلیل دقیق تأثیر متون ادبی فارسی بر رشد تفکر انتقادی زبان‌آموزان، شکاف‌های موجود در پژوهش‌های پیشین را پر کرده و به کاربردهای شناختی متون ادبی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بپردازد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل نقش متون ادبی فارسی در تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی در زبان‌آموزان با استفاده از طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی بلوم است. این تحقیق به‌طور خاص به تحلیل این موضوع می‌پردازد که چگونه متون ادبی فارسی می‌توانند در سطوح مختلف شناختی، از جمله درک، تحلیل، ترکیب و ارزیابی، توانمندی‌های زبان‌آموزان را تقویت کنند. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها است: ۱) متون ادبی مورد استفاده در آموزش زبان فارسی چگونه می‌توانند به تقویت سطوح مختلف شناختی بلوم در زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان کمک کنند؟ ۲) کدام انواع متون ادبی برای تقویت هر سطح شناختی مناسب‌تر هستند؟ نوآوری این تحقیق در استفاده از متون ادبی فارسی در سطوح پیشرفته و بررسی دقیق نحوه تأثیرگذاری این متون بر تفکر انتقادی است. در ادامه، مبانی نظری تحقیق شامل طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی بلوم و ارتباط آن با تفکر انتقادی بررسی شده و تأثیر متون ادبی فارسی بر رشد مهارت‌های تفکر انتقادی زبان‌آموزان تحلیل خواهد شد.

2. مبانی نظری: رویکرد شناختی بلوم در پرورش تفکر انتقادی

1.2. پرورش و ارتقای تفکر انتقادی

متون ادبی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در توسعه مهارت‌های شناختی و تفکر انتقادی در زبان‌آموزان شناخته می‌شوند. این متون نه‌تنها در انتقال اطلاعات زبانی مؤثر هستند، بلکه در فرآیند رشد

تفکر انتقادی نیز نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. از آنجا که متون ادبی غالباً حاوی ساختارهای پیچیده، معانی چندلایه، و موضوعات فلسفی و اخلاقی هستند، فراگیران را به تفکر عمیق‌تر و ارزیابی محتواهای مختلف ترغیب می‌کنند. در این راستا، متون ادبی با دعوت از خواننده برای کاوش در معانی پنهان و نشانه‌ها، موجب بسط و توسعه توانایی‌های شناختی وی می‌شوند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های متون ادبی این است که می‌توانند به گسترش توانایی تحلیل و ارزیابی در زبان‌آموزان کمک کنند. متون ادبی، با برخورداری از لایه‌های معنایی و استفاده از استعارات و تصاویر ذهنی، فضایی مناسب برای تجزیه و تحلیل و کشف مفاهیم پیچیده ایجاد می‌کنند. این توانایی‌ها به‌ویژه در آموزش زبان در سطوح پیشرفته به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا نه تنها از نظر زبانی بلکه از نظر شناختی نیز به دقت بیشتری در تحلیل و ارزیابی متون بپردازند. البته باید توجه داشت که صرف خواندن متون ادبی به‌تنهایی به پرورش تفکر انتقادی نمی‌انجامد. بلکه فرایند یادگیری و به‌ویژه نوع تعامل زبان‌آموز با متن، و نیز چگونگی راهبری معلم در این فرایند است که تأثیر بسزایی در رشد تفکر انتقادی دارد. از این رو، بررسی و مباحثه در خصوص محتوای این متون، به‌ویژه طرح پرسش‌های تحلیلی و ارزیابی، یکی از اجزای کلیدی در توسعه تفکر انتقادی به شمار می‌آید (عموآوبائی مقدم، 1400، ص 55). به عبارت دیگر، تفکر انتقادی زمانی به‌طور مؤثر پرورش می‌یابد که زبان‌آموز با چالش‌های فکری روبه‌رو شود و مجبور باشد برای حل آن‌ها استدلال کند و پاسخ‌های منطقی و مستند ارائه دهد. در این زمینه، طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی بلم نقش کلیدی در تدوین پرسش‌ها و تمرین‌های مناسب ایفا می‌کند. بر اساس این طبقه‌بندی، در سطوح بالاتر تفکر مانند تحلیل، ارزیابی و ترکیب، پرسش‌های خاصی می‌توانند زبان‌آموزان را به تفکر انتقادی سوق دهند. این پرسش‌ها به‌طور خاص باید از نوع باز و پیچیده باشند، به‌گونه‌ای که خواننده را وادار به بررسی عمیق‌تر متون و تحلیل جنبه‌های مختلف آن‌ها کند. به‌طور کلی، متون ادبی نه تنها به تقویت زبان‌آموزی از جنبه گرامری و واژگانی کمک می‌کنند، بلکه از آن مهم‌تر، به پرورش تفکر انتقادی زبان‌آموزان در مواجهه با دنیای پیچیده و متنوع مفاهیم فرهنگی و معنایی پرداخته و آن‌ها را برای درک و تفسیر دنیای واقعی آماده می‌سازند (احمدی، 1403، ص 47).

2.2. طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی حوزه شناختی

بلم و همکارانش (1956) یکی از شناخته‌شده‌ترین طبقه‌بندی‌ها را برای اهداف آموزشی حوزه شناختی ارائه کردند که به شش سطح مختلف تقسیم می‌شود (Bloom, 1956, p. 483). این طبقه‌بندی در اصل برای تحلیل فرآیندهای شناختی و تقویت مهارت‌های تفکر در افراد طراحی شده است. هر یک از این شش سطح نمایانگر نوعی خاص از فعالیت‌های ذهنی است که از ساده‌ترین و عینی‌ترین فرایندها تا پیچیده‌ترین و انتزاعی‌ترین فرآیندهای فکری را دربر می‌گیرد (Divsar, 2020, p.23).

در طبقه‌بندی بلم، حوزه شناختی به‌طور خاص به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود: نخست، "دانش" که شامل حافظه و یادآوری اطلاعات است، و سپس "مهارت‌های ذهنی" که به توانایی‌های فرد در به‌کارگیری اطلاعات در موقعیت‌های مختلف مربوط می‌شود. این دسته‌بندی می‌تواند برای طراحی و ارزیابی برنامه‌های درسی مفید باشد و به ویژه در آموزش زبان و متون ادبی می‌تواند به شفاف‌سازی فرایند یادگیری کمک کند (Aghaei, 2018, p. 22).

دانش¹: در این سطح، هدف اصلی حفظ و به‌خاطر سپردن اطلاعات است. زبان‌آموز در این مرحله با استفاده از متون ادبی، واژگان، ساختارهای دستوری و مفاهیم مختلف را یاد می‌گیرد. به‌طور مثال، در آموزش زبان فارسی، زبان‌آموز باید قادر باشد که واژگان و عبارات مختلف را از متون ادبی یادآوری کند. برای نمونه، در درس‌خوانی اشعار کلاسیک فارسی، زبان‌آموز باید قادر به به‌خاطر سپردن عبارات و واژگان خاص باشد (Bloom, 1956, p. 483).

فهمیدن²: این سطح بالاتر از یادآوری است، جایی که زبان‌آموز باید قادر باشد که معانی متن را درک کرده و آن‌ها را به زبان خود بازگو کند. در آموزش ادبیات فارسی، فهمیدن شامل درک مفاهیم عمیق‌تر مانند استعاره‌ها، تشبیه‌ها و نمادهای موجود در متون ادبی است. به عنوان مثال، در تحلیل شعرهایی از حافظ، زبان‌آموز باید قادر باشد که معنی استعاری واژه‌ها و ترکیب‌ها را درک کرده و مفهوم آن‌ها را برای دیگران بیان کند. (Divsar, 2020, p. 23).

به‌کار بستن³: در این مرحله، زبان‌آموز باید قادر به استفاده از اطلاعات آموخته‌شده در موقعیت‌های جدید باشد. این شامل استفاده از واژگان و عبارات در جملات جدید و همچنین به‌کارگیری سبک‌های مختلف نوشتاری است. برای نمونه، در استفاده از استعاره‌های موجود در متون ادبی فارسی، زبان‌آموز باید توانایی استفاده از این استعاره‌ها در متن‌های جدید و در موقعیت‌های مختلف را داشته باشد.

تحلیل⁴: در این سطح، زبان‌آموز باید بتواند یک موضوع یا مفهوم را به اجزای مختلف آن تقسیم کرده و روابط میان این اجزاء را بررسی کند. در تحلیل متون ادبی، زبان‌آموز می‌تواند به تحلیل شخصیت‌ها، رویدادها و ساختارهای نحوی و معنایی متن بپردازد. به‌عنوان مثال، در تحلیل داستان‌های سعدی یا مولوی، زبان‌آموز باید قادر باشد که اجزای مختلف داستان را تحلیل کرده و روابط میان آن‌ها را توضیح دهد.

ترکیب⁵: این مرحله شامل توانایی زبان‌آموز در ترکیب اطلاعات مختلف برای خلق یک کل جدید است. در متون ادبی، این ممکن است شامل نوشتن داستان‌ها یا مقالات جدید بر اساس سبک‌ها و ساختارهای موجود در متون کلاسیک باشد. به‌عنوان مثال، زبان‌آموز می‌تواند از ویژگی‌های خاص متون فارسی برای خلق یک اثر جدید و یا یک تحلیل جدید استفاده کند.

¹ **دانش (Knowledge)** براساس رویکرد شناختی بلوم: اولین و پایین‌ترین سطح از شش سطح شناختی است که شامل توانایی یادآوری، حفظ و بازخوانی اطلاعات، حقایق، تعاریف و مفاهیم ذخیره‌شده در حافظه است. در این سطح فراگیر تنها اطلاعات را به‌خاطر می‌سپارد بدون اینکه آن را درک یا تحلیل کند. (Bloom, 1956)

² **فهمیدن (Comprehension)** براساس رویکرد شناختی بلوم: دومین سطح از شش سطح شناختی است که شامل توانایی تفسیر، ترجمه، برون‌یابی و درک معانی مختلف متن است. در این سطح، فراگیر نه تنها اطلاعات را یادآوری می‌کند بلکه معنای آن را درک کرده و می‌تواند آن را به زبان و الفاظ خود بیان کند. (Bloom, 1956)

³ **به‌کار بستن (Application)** براساس رویکرد شناختی بلوم: سومین سطح از شش سطح شناختی است که شامل توانایی استفاده از اطلاعات و دانش در موقعیت‌های جدید و عملی است. در این سطح، فراگیر قادر است قوانین، مفاهیم و اصول را در شرایط و زمینه‌های نو به کار ببرد. (Bloom, 1956)

⁴ **تحلیل (Analysis)** براساس رویکرد شناختی بلوم: چهارمین سطح از شش سطح شناختی است که شامل توانایی تجزیه‌کردن یک کل به اجزای تشکیل‌دهنده آن و درک روابط میان این اجزا است. در این سطح، فراگیر اطلاعات را به عناصر سازنده‌اش تقسیم می‌کند و ساختار و سازمان پنهان را کشف می‌کند. (Bloom, 1956)

⁵ **ترکیب (Synthesis)** براساس رویکرد شناختی بلوم: پنجمین سطح از شش سطح شناختی است که شامل توانایی ترکیب اجزای جداگانه برای ایجاد یک کل جدید است. در این سطح، فراگیر عناصر مختلف را با هم می‌آمیزد و ساختارهای نو یا الگوهای جدید ایجاد می‌کند. (Bloom, 1956)

ارزیابی⁶: در این سطح، زبان‌آموز باید قادر به ارزیابی و نقد اطلاعات موجود باشد. در این مرحله، زبان‌آموز می‌تواند به نقد آثار ادبی از منظرهای مختلف بپردازد، به‌طور مثال، نقد اخلاقی یا زیبایی‌شناختی یک متن ادبی. در آموزش زبان فارسی، زبان‌آموز ممکن است به ارزیابی آثار کلاسیک فارسی از جنبه‌های مختلف بپردازد و دیدگاه خود را درباره این آثار بیان کند.

3.2. تأثیرات متون ادبی بر مهارت‌های ذهنی زبان‌آموزان

1.3.2. باروری تخیل

تخیل یکی از مولفه‌های مهم در فرایند آموزش و یادگیری است که نقش ویژه‌ای در گسترش و تقویت مهارت‌های شناختی ایفا می‌کند. در ارتباط با متون ادبی، تخیل به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی برای ارتقای دانش و فهم زبان‌آموزان مورد توجه قرار می‌گیرد. در این زمینه، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که ادبیات به‌ویژه از طریق پرورش تخیل، باعث شکل‌گیری نگرش‌ها و درک جدید از دنیای پیرامون می‌شود. این فرآیند نه تنها به درک مفاهیم و معانی عمیق‌تر در متون ادبی می‌انجامد بلکه دنیای درونی فرد را به‌طور گسترده‌ای به چالش می‌کشد. ویلیام وردزورث، شاعر بزرگ انگلیسی، تخیل را به‌عنوان یک "درک تازه از جهان" می‌داند که از مسیرهای دیگر امکان‌پذیر نیست. وی تخیل را بیشتر نوعی آگاهی عالی‌تر نسبت به جهان معمولی تعریف می‌کند که از طریق آن می‌توان مفاهیم آشنا را به‌طور متفاوتی درک کرد. به عبارت دیگر، تخیل به زبان‌آموز کمک می‌کند که چیزی را که قبلاً دیده است، اما به‌طور متفاوت و با عمق بیشتری درک کند (Shamsi, 2014, p. 132).

به همین ترتیب، متون ادبی به‌ویژه در ژانرهای داستانی و شعری، با ایجاد فضایی تخیلی و ذهنی در خواننده، افق‌های جدیدی را برای تفکر و فهم پدید می‌آورند. در زمینه زبان‌آموزی، تخیل نه تنها به عنوان یک توانایی فکری بلکه به‌عنوان یک مهارت ضروری در یادگیری زبان دیده می‌شود. متون ادبی به‌ویژه داستان‌ها و اشعار، با به کارگیری تصاویری از دنیای واقعی و ترکیب آن‌ها با عناصر غیرواقعی، فضاهای تخیلی جدیدی را در ذهن زبان‌آموزان ایجاد می‌کنند. برای نمونه، در خواندن داستان‌هایی مانند «کلبله و دمنه» یا اشعار حافظ و مولوی، زبان‌آموزان وارد دنیای ذهنی می‌شوند که ترکیب‌های جدیدی از مفاهیم و تصورات پیشین را می‌سازد و این امر موجب تقویت تخیل و تفکر خلاق آن‌ها می‌شود. بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی آموزشی، تخیل در یادگیری زبان دوم (L2) می‌تواند از طریق ایجاد تصاویر ذهنی و استفاده از مهارت‌های زبانی برای بازسازی تصاویر ذهنی درک شود. به‌ویژه در تدریس متون ادبی، این فرآیند به‌طور مستقیم درگیر فرآیندهای شناختی و زبانی می‌شود که زبان‌آموزان باید با آن‌ها تعامل کنند. برای مثال، هنگام تدریس داستان‌های کلاسیک یا شعرهای معاصر، می‌توان از زبان‌آموزان خواست تا به‌جای صرفاً ترجمه متن، به‌طور تخیلی داستان یا شعر را در ذهن خود مجسم کنند و آن را با تصاویر و احساسات جدیدی که از دنیای خود به آن اضافه می‌کنند، بازسازی کنند. در این میان، با توجه به نظریات بسیاری از پژوهشگران

⁶ ارزیابی (Evaluation) براساس رویکرد شناختی بلوم: ششمین و بالاترین سطح از شش سطح شناختی است که شامل توانایی قضاوت و ارزیابی ارزش اطلاعات، ایده‌ها و آثار بر اساس معیارهای معین است. در این سطح، فراگیر درباره صحت، اعتبار و کیفیت یک موضوع قضاوت می‌کند و استدلال‌های منطقی را ارائه می‌دهد. (Bloom, 1956, p. 549)

چون مکرا (1996)، تخیل را به عنوان ابزاری برای گسترش فهم و درک در نظر می‌گیرند. بر این اساس، برای زبان‌آموزانی که در مراحل ابتدایی یادگیری زبان قرار دارند، متون ادبی که دارای ویژگی‌های تصویری و تخیلی هستند، می‌توانند به‌طور مؤثر باعث ارتقای توانایی‌های شناختی و زبانی شوند (2014, p. 16, McRae).

از این‌رو، استفاده از متون داستانی، اشعار و آثار ادبی دیگر می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا از دنیای واقعی فراتر رفته و به تخیل خود بال و پر دهند. در کلاس‌های آموزش زبان فارسی، برای پرورش تخیل می‌توان از داستان‌ها و اشعار با ویژگی‌های زبانی پیچیده و مفاهیم عمیق استفاده کرد. به‌طور مثال، با استفاده از داستان‌های کوتاه ایرانی مانند «پرندۀ نصیحتگوی مولوی» یا اشعار حافظ، زبان‌آموزان می‌توانند به‌طور هم‌زمان با زبان و ساختارهای دستوری زبان فارسی آشنا شده و از طرفی، تخیل خود را در دنیای داستانی پرورش دهند (قاسم‌نیا، 1387، ص 25). همچنین، با طرح پرسش‌هایی که از زبان‌آموزان خواسته می‌شود تا تخیلات خود را در مورد شخصیت‌ها، رویدادها و شرایط موجود در داستان بیان کنند، این فرآیند به رشد تخیل و همچنین به‌کارگیری آن در فرایند یادگیری زبان کمک می‌کند (قاسم‌نیا، 1387، ص 27).

2.3.2. توسعه تفکر انتقادی

تفکر انتقادی یکی از مهم‌ترین ابعاد

شناختی است که به‌ویژه در فرآیند آموزش زبان و مهارت‌های زبانی نقشی برجسته دارد. از منظر نظریه‌پردازان شناختی، ادبیات به‌عنوان یک ابزار آموزشی مؤثر، از توانایی ویژه‌ای برخوردار است که نه تنها امکان ارزیابی و تحلیل را فراهم می‌آورد، بلکه به‌طور فعالانه فرآیند تفکر انتقادی را در خواننده پرورش می‌دهد. گرس (1988) بر این باور است که زیبایی هنر به‌ویژه در ادبیات، محرک‌های فکری را برای درک و تحلیل واقعیت‌های پیچیده در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. این ظرفیت نه‌تنها امکان تفکر انتقادی را فراهم می‌کند بلکه مخاطب را به چالش‌های فکری می‌کشانند که در زندگی واقعی و اجتماعی ممکن است تجربه نکند. در متون ادبی، اصول و موضوعات مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرند که غالباً جهانی و فراگیر هستند، و طرح پرسش‌های اساسی درباره مفاهیم هستی‌شناسی و فلسفی، بستر مناسبی برای پرورش تفکر انتقادی فراهم می‌آورد. این فرایند، تحلیل مفاهیم، نقد نظرات و ارزیابی پیام‌های موجود در متن را به‌طور سیستماتیک امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین، از طریق تعامل میان متن و خواننده، پرسش‌های ذهنی ایجاد می‌شود که موجب پردازش‌های شناختی عمیق‌تر می‌شود. در راستای فرآیند توسعه تفکر انتقادی در آموزش زبان، برخی از صاحب‌نظران مانند راندال (2008) تأکید کرده‌اند که خواندن انتقادی محقق نمی‌شود مگر آنکه پرسش‌های دقیق و هدفمند در ارتباط با محتوا و ساختار متن مطرح شود (Randall, 2008, p. 26). این پرسش‌ها، فرد را وادار به تحلیل، ارزیابی و فرضیه‌سازی در زمینه‌های مختلف فکری و مفهومی می‌نماید. در این زمینه، واتسون و گلنزر (1980) پنج مهارت اصلی تفکر انتقادی را معرفی کرده‌اند که عبارتند از: استنباط، شناسایی مفروضات، استنتاج، تفسیر و ارزیابی استدلال‌ها. این پنج مهارت به‌ویژه در فرایند آموزش متون ادبی، موجب فراهم‌سازی بستری برای تفکر پیچیده و تحلیل‌های منطقی در سطحی عمیق‌تر می‌شوند (Hassan, 2007، ص 361). نقد تلاش می‌کند نقش محیط فیزیکی و مادی را در نقد و خوانش آثار ادبی برجسته کند در حالی که تا پیش از این، محیط انسانی و اجتماعی و یا طبیعت خیال‌انگیز و رویایی در ادبیات مورد توجه قرار می‌گرفت (پارسا پور، 2025، ص 271). در کلاس‌های آموزشی

زبان، متون ادبی از این ظرفیت برخوردارند که با طرح سؤالات به‌خصوص و ساختارهای تحلیلی در متن، تفکر انتقادی را در زبان‌آموزان تقویت کنند. به‌عنوان مثال، از زبان‌آموزان خواسته می‌شود تا ضمن مطالعه یک متن، فرضیات نهفته در آن را شناسایی کرده و سپس بر اساس داده‌های موجود، استنتاج‌هایی در مورد روند وقایع داستان و پیام‌های آن ارائه دهند. در این فرآیند، توانایی خواننده در تحلیل و ارزیابی اطلاعات از منابع مختلف به‌طور هم‌زمان تقویت می‌شود.

3.3.2. رشد شخصی و بینش‌افزایی

رشد شخصی و توسعه بینش یکی دیگر از کارکردهای اساسی متون ادبی است که به‌ویژه در آموزش زبان نقش مهمی ایفا می‌کند. از دیدگاه شناختی، متون ادبی نه تنها به‌عنوان ابزارهای زبانی، بلکه به‌عنوان منابع شناختی و روان‌شناختی برای رشد فردی نیز عمل می‌کنند. این متون به‌ویژه هنگامی که با دیدگاه‌های مختلف فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی آمیخته می‌شوند، به‌طور غیرمستقیم به خواننده امکان می‌دهند که به تجزیه و تحلیل دقیق‌تر تجربیات خود و دنیای پیرامونش بپردازد. در این راستا، تحلیل و درک عمیق از شخصیت‌ها، وقایع و پیام‌های متون، زمینه‌ساز رشد شناختی و شخصی فرد می‌شود. در نظر سارتر (1988)، فرآیند خواندن یک متن ادبی، نه صرفاً به‌عنوان یک فعالیت انفعالی بلکه به‌عنوان یک فرآیند فعال و تأثیرگذار است که خواننده را درگیر تعاملات فکری پیچیده‌ای می‌کند (Sartre, 1988, p. 32). این تعاملات، فرد را قادر می‌سازد تا از دنیای نویسنده وارد دنیای خود شود و در آن، بر اساس تجربیات و دیدگاه‌های شخصی‌اش به بازسازی و تحلیل مفاهیم بپردازد. این تعامل به‌ویژه در متون پیچیده‌ای که چندین لایه مفهومی دارند، عمیق‌تر و مؤثرتر است. خواننده در این فرآیند نه تنها با دنیای متن آشنا می‌شود بلکه قادر است مفاهیم جدیدی را از طریق بازسازی ذهنی و مقایسه با تجربیات خود پیدا کند. این فرآیند برای زبان‌آموزان در محیط‌های آموزشی زبان بسیار حائز اهمیت است. آن‌ها می‌توانند از متون ادبی به‌عنوان ابزاری برای بازنگری و تجدید نظر در نگرش‌های خود نسبت به جهان استفاده کنند. از این منظر، متون ادبی، به‌ویژه آن‌هایی که حاوی مضامین انسانی و اجتماعی عمیق هستند، زمینه‌ساز گسترش افق دید زبان‌آموزان می‌شوند. ادبیات از این رو به‌طور ویژه به‌عنوان یک ابزار آموزشی برای گسترش بینش و خودآگاهی عمل می‌کند که به فراگیران اجازه می‌دهد تا واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی را از منظر متفاوت تحلیل کنند. در زمینه رشد شخصی، متون ادبی می‌توانند تأثیر بسزایی در ایجاد و تقویت احساسات و نگرش‌های فردی در زبان‌آموزان داشته باشند. در این فرآیند، زبان‌آموز با درگیر شدن در متن‌های ادبی، نه تنها مهارت‌های زبانی خود را ارتقا می‌دهد بلکه به تجارب و احساسات خود از زوایای مختلف توجه بیشتری نشان می‌دهد. متون ادبی، از این رو، به‌عنوان ابزارهای شناختی برای ارتقای خودآگاهی و رشد فردی عمل می‌کنند و فرد را در مسیر توسعه شخصی هدایت می‌کنند.

4.2. رویکردهای نظری در تحلیل و آموزش متون ادبی به زبان فارسی در پرورش تفکر انتقادی

1.4.2. رویکرد دانش انتقادی

رویکرد دانش انتقادی ریشه در مطالعات انتقادی زبان و جامعه‌شناسی آموزش دارد. این رویکرد به‌ویژه بر ارتقاء آگاهی انتقادی زبان‌آموزان نسبت به رابطه متون ادبی و مسائل پیچیده اجتماعی، فرهنگی، هویتی،

جنسیتی و قدرت اجتماعی تأکید دارد. از دیدگاه این رویکرد، متن‌های ادبی نه تنها ابزاری برای فهم زبان بلکه ابزاری برای درک روابط اجتماعی و فرهنگی در دنیای واقعی هستند. فراگیران با آگاهی از بستر اجتماعی- فرهنگی که در آن متن ادبی تولید شده است، می‌توانند درک عمیق‌تری از معانی نهفته در متن به دست آورند و نسبت به نگرش‌های رایج اجتماعی و فرهنگی آگاهی پیدا کنند (Shariati, 1371, p. 22).. برای مثال، انتخاب و تحلیل متنی مانند «نوروز» از دکتر علی شریعتی در سطح پیشرفته می‌تواند زمینه‌ساز تفکر انتقادی در رابطه با مسائل هویتی و فرهنگی باشد. در این راستا، می‌توان از زبان‌آموزان خواست تا با بررسی انتقادی متن، تغییرات اجتماعی و فرهنگی را درک کرده و از آن‌ها برای تولید متنی انتقادی نسبت به مسائل مشابه استفاده کنند (ابوالحسنی چیمه، 1395، ص 237).

2.4.2. رویکرد نقد نوین

رویکرد نقد نوین به معنای کشف معنای صحیح یک متن ادبی از طریق تحلیل دقیق عناصر زبانی و ادبی، همچون قافیه، ردیف، تخیل و درون‌مایه است. در این رویکرد، خواننده از توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی متن و واکنش‌های شخصی خود به متن اجتناب می‌کند. در حقیقت، نقد نوین به تحلیل متن به‌عنوان یک پدیده مستقل از عوامل بیرونی می‌پردازد. این رویکرد از خواننده انتظار دارد که تنها به ساختارهای درونی متن توجه کند و تلاش کند تا معنای نهفته در عناصر مختلف آن را کشف کند (اقبالی خمایی، 1402، ص 264). دو بیت زیر از مثنوی مولانا نمونه‌ای از رویکرد نقد نوین است.

مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

ای برادر تو همان اندیشه‌ای

ور بود خاری تو هیمه گلخنی

گر گل است اندیشه تو گلشنی

(مولوی، 1315، ص 26)

در این شعر، دو تشبیه به کار رفته است که اندیشه خوب را به گل و اندیشه بد را به خار تشبیه می‌کند. نقد نوین به این تشبیه‌ها به‌طور صرف از نظر زبان‌شناختی توجه می‌کند و از خواننده می‌خواهد تا خود را از نگرش‌های بیرونی و تجربیات فردی جدا کرده و صرفاً به ساختار و معنای درونی متن توجه نماید.

3.4.2. رویکرد واکنش خواننده

رویکرد واکنش خواننده بر فرآیند تعامل فعال خواننده با متن ادبی تأکید دارد. در این رویکرد، خواننده از تجربیات و احساسات شخصی خود برای تفسیر متن استفاده می‌کند و این تفسیر به‌طور مستقیم به واکنش‌های شخصی او نسبت به متن بستگی دارد. زبان‌آموزان در این رویکرد به‌عنوان فعال‌ترین شرکت‌کنندگان در فرآیند یادگیری ظاهر می‌شوند، زیرا آن‌ها با فعال‌سازی دانش پیشین خود و شخصی‌سازی تجربه خواندن، تحلیل‌های منحصر به فردی از متن ارائه می‌دهند (حایری، 1386، 46). به‌عنوان مثال، شعر "دو کاج" از

محمدجواد محبت که دارای دو پایان متفاوت است، فرصتی برای زبان‌آموزان فراهم می‌آورد تا تجربیات خود را با متن پیوند داده و برداشت‌های شخصی خود را مطرح کنند. در این شعر، دو کاج با برخوردهای متفاوتی به هم واکنش نشان می‌دهند که زبان‌آموزان می‌توانند با استفاده از این داستان، پیام‌هایی را در خصوص مسئولیت اجتماعی و تأثیرات اخلاقی تحلیل کنند.

در کنار خطوط سیم، پیام	خارج از ده، دو کاج روییدند
سال‌های دراز، رهگذران	آن دو را چون دو دوست می‌دیدند
روزی از روزهای پاییزی	زیر رگبار و تازیانه باد
یکی از کاج‌ها به خود لرزید	خم شد و روی دیگری افتاد
گفت ای آشنا ببخش مرا	خوب در حال من تامل کن
ریشه‌هایم ز خاک بیرون است	چند روزی مرا تحمل کن
کاج همسایه گفت با	تندی مردم آزار، از تو بیزارم
دور شو، دست از سرم بردار	من کجا طاقت تو را دارم؟
بینوا را سپس تکانی داد	یار بی‌رحم و بی‌محبت او
سیم‌ها پاره گشت و کاج افتاد	بر زمین نقش بست قامت او

(محبت، 1350، ص 30)

در این داستان، زبان‌آموزان می‌توانند با تجزیه و تحلیل واکنش‌های مختلف شخصیت‌ها به موقعیت‌های چالش‌برانگیز، احساسات و مفاهیم اخلاقی را استخراج کرده و با تجربیات خود پیوند دهند، که این امر موجب ارتقاء مهارت‌های تفکر انتقادی و انعطاف‌پذیری ذهنی آنها می‌شود.

3. روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه بر پایه تحلیل کیفی محتوای متون ادبی به زبان فارسی با هدف بررسی نقش آنها در تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان استوار است. در این پژوهش، ابتدا متون ادبی متنوعی شامل اشعار کلاسیک و معاصر، داستان‌های کوتاه، رمان‌ها، متون عرفانی و فلسفی-اجتماعی بر اساس معیارهایی چون تناسب با سطوح مختلف زبان‌آموزی، برخورداری از ساختارهای زبانی و مفهومی متنوع، و قابلیت طرح موضوعات فرهنگی و اجتماعی انتخاب می‌شوند. سپس این متون از منظر ویژگی‌های ساختاری، زبانی و محتوایی مورد بررسی قرار گرفته و با شش سطح شناختی طبقه‌بندی بلوم (دانش، فهمیدن، به‌کار بستن، تحلیل، ترکیب، و ارزیابی) تطبیق داده می‌شوند. در این فرآیند، برای هر سطح شناختی، ویژگی‌های متناسب متون مشخص شده و نمونه‌های برجسته استخراج می‌گردند. به موازات این تحلیل، رویکردهای مختلف آموزشی شامل رویکرد دانش انتقادی، رویکرد نقد نوین و رویکرد واکنش خواننده نیز در استفاده از متون ادبی برای پرورش تفکر انتقادی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در نهایت، با تلفیق یافته‌های

این تحلیل‌ها، الگوهای عملی برای استفاده از متون ادبی در تقویت هر یک از سطوح شناختی بلوم ارائه می‌شود که شامل تحلیل دقیق متون منتخب، پرسش‌ها و فعالیت‌های مناسب برای تقویت تفکر انتقادی، و روش‌های ارزیابی پیشرفت زبان‌آموزان است. این روش به درک عمیق‌تر از تأثیر متون ادبی فارسی بر توانایی‌های تفکر انتقادی و رشد شناختی زبان‌آموزان و ارائه راهکارهای عملی برای بهره‌گیری مؤثر از این متون در آموزش زبان فارسی می‌انجامد.

4. یافته‌ها

1.4. نمونه‌هایی از متون ادبی و نحوه تقویت سطوح شناختی بلوم

در این بخش، با توجه به رویکردهای سه‌گانه مطرح شده در بخش مبانی نظری، به تحلیل نمونه‌های متون ادبی مناسب برای تقویت سطح دانش می‌پردازیم. انتخاب متون متنوع و متعدد در این بخش، با هدف افزایش دقت علمی پژوهش صورت گرفته است. برای هر نمونه، تلاش شده تا ارتباط آن با یکی از رویکردهای دانش انتقادی، نقد نوین یا واکنش خواننده نیز مشخص شود.

در این سطح، زبان‌آموز باید واژگان، ساختارهای دستوری و اصطلاحات فرهنگی را یادآوری کند. متون ادبی فارسی برای این منظور باید دارای ویژگی‌های خاصی باشند: قافیه و وزن منظم که تکرار الگوهای صوتی را تسهیل می‌کند، واژگان کلیدی در بافتی معنایی روشن، موسیقی کلام قوی (مانند ضرب‌المثل‌ها و رباعیات)، و ساختار متقارن که یادسپاری را بهبود می‌بخشد. هرچند این سطح ابتدایی‌ترین سطح طبقه‌بندی بلوم است، اهمیت آن بسیار زیاد است؛ زیرا بدون پایه محکم واژگان و ساختارهای زبانی، دانش‌آموز نمی‌تواند به سطوح شناختی بالاتر صعود کند. متون ادبی این مزیت بی‌نظیری دارند که هم اطلاعات زبانی را منتقل می‌کنند و هم فرهنگ و ارزش‌های جامعه را به‌طور طبیعی و جذاب در بر می‌گیرند. بیت معروف سعدی از گلستان نمونه‌ای از سطح دانش است (سعدی، 1315، ص 13).

بنی آدم اعضای یکدیگرند / که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار

از دیدگاه رویکرد نقد نوین، تحلیل این ابیات باید بر اساس عناصر زبانی و ساختاری آن صورت گیرد. ساختار متقارن و موازی این دو بیت (چهار مصرع)، وزن موسیقایی و قافیه‌های دقیق "گوهرند/قرار"، استفاده از تشبیه (بنی آدم به اعضا)، و استفاده از صنعت تمثیل، همگی عناصری هستند که به یادسپاری و بازیابی اطلاعات کمک می‌کنند. واژگان کلیدی مانند "بنی آدم"، "اعضا"، "آفرینش" و "گوهر" در بافتی منسجم ارائه شده‌اند که یادگیری آنها را تسهیل می‌کند. از منظر رویکرد دانش انتقادی، این ابیات مفاهیم عمیق انسانی و اخلاقی را منتقل می‌کنند که در فرهنگ ایرانی-اسلامی ریشه دارد و به زبان‌آموزان در یادگیری ارزش‌های فرهنگی جامعه ایران کمک می‌کند.

نمونه دیگری از متون مناسب برای سطح دانش، رباعیات خیام است که با وجود مضمون فلسفی، از واژگان ساده و تکراری استفاده می‌کند (خیام، 1340، ص 55).

آمد شدن تو درین عالم چیست / آمد مگسی پدید و ناپیدا شد

آمد و رفت ما ز بهر چه بود / آمد و رفتی که آنجا نه پیداست

از منظر رویکرد واکنش خواننده، این رباعی به زبان‌آموزان امکان می‌دهد تا بر اساس تجربیات شخصی خود در مورد مفهوم زندگی و مرگ، با متن ارتباط برقرار کنند. تکرار فعل "آمدن" به شکل‌های مختلف (آمد، آمد شدن) و استفاده از واژگان متضاد (پیدا/ناپیدا)، امکان یادگیری الگوهای صرفی و معنایی را فراهم می‌کند. همچنین، استعاره "مگس" برای انسان، می‌تواند مبنایی برای یادگیری استعاره‌های رایج در زبان فارسی باشد. از دیدگاه نقد نوین، ساختار قافیه‌ای منظم و وزن عروضی ثابت این رباعی، به حفظ و یادآوری آن کمک می‌کند.

نمونه سوم، ضرب‌المثل‌های فارسی هستند که به دلیل کوتاهی، موسیقی کلام و مضامین فرهنگی، برای سطح دانش بسیار مناسب‌اند:

"قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود"

"هر که بامش بیش، برفش بیشتر"

"از کوزه همان برون تراود که در اوست"

از دیدگاه رویکرد دانش انتقادی، این ضرب‌المثل‌ها بازتاب‌دهنده روابط اجتماعی، قدرت، و هنجارهای فرهنگی جامعه ایرانی هستند. برای مثال، ضرب‌المثل اول، ارزش صبر و پشتکار، ضرب‌المثل دوم، رابطه مسئولیت و امکانات، و ضرب‌المثل سوم، اصالت ذات و ارتباط درون و برون را نشان می‌دهند. آشنایی با این مفاهیم، زبان‌آموزان را با الگوهای فکری جامعه ایرانی آشنا می‌کند و زمینه را برای درک عمیق‌تر مناسبات اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورد. از جنبه زبانی نیز، این ضرب‌المثل‌ها به یادگیری ساختارهای دستوری رایج در زبان فارسی کمک می‌کنند.

• سطح فهمیدن

در سطح فهمیدن، زبان‌آموزان باید قادر باشند معانی متن را درک کرده و آن‌ها را به زبان خود بازگو کنند. در آموزش ادبیات فارسی، فهمیدن شامل درک مفاهیم عمیق‌تر مانند استعاره‌ها، تشبیه‌ها و نمادهای موجود در متون ادبی است. غزلیات حافظ نمونه مناسبی برای تقویت این سطح شناختی است (حافظ، 1320، ص 45).

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند / گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت / با من رامنشین باده مستانه زدند

این غزل از حافظ با زبانی نسبتاً ساده اما با لایه‌های عمیق معنایی، برای تقویت سطح فهمیدن مناسب است. زبان‌آموزان در این سطح باید بتوانند مفاهیم استعاری مانند "میخانه" به عنوان نمادی از عالم معنا، "باده" به عنوان نمادی از عشق الهی، و "ملائک" به عنوان نمادی از فرشتگان و عالم قدس را درک کنند. همچنین باید بتوانند مفهوم کلی شعر درباره آفرینش انسان و سرشت او را به زبان خود توضیح دهند. این نوع متون با وجود چالش‌های معنایی، به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا توانایی درک استعاره‌های فرهنگی و مفاهیم عرفانی را در خود تقویت کنند و بتوانند این مفاهیم را در بافت فرهنگی مناسب تفسیر نمایند.

نمونه دیگر از متون مناسب برای سطح فهمیدن، اشعار معاصر سهراب سپهری است که با زبانی ساده اما عمیق، مفاهیم فلسفی و عرفانی را مطرح می‌کن (سپهری، 1346، ص 3).

آدمی در فراغت خویش چه اندازه تنهاست

و چه اندازه در ازدحام

با وجود همسفر تنهاست

من در این تاریکی

همسفر با گنجشک و باد

همقدم با نفس پنجره‌ها

در این شعر، زبان‌آموزان باید مفهوم پارادوکسیکال تنهایی انسان در خلوت و جمع را درک کنند و بتوانند استعاره‌های "همسفر با گنجشک و باد" و "همقدم با نفس پنجره‌ها" را بفهمند. آن‌ها باید بتوانند این مفاهیم را با تجربیات انسانی خود پیوند داده و به زبان خود بازگو کنند. این متن با وجود سادگی زبانی، لایه‌های عمیق فلسفی دارد که زبان‌آموزان را به تفکر و درک عمیق‌تر وامی‌دارد.

• سطح به‌کار بستن

در سطح به‌کار بستن، زبان‌آموزان باید بتوانند مفاهیم و دانش آموخته‌شده را در موقعیت‌های جدید به کار گیرند. این سطح شامل استفاده از قواعد، اصول، مفاهیم و نظریه‌ها در شرایط جدید است. متون ادبی با موضوعات فرهنگی و اجتماعی می‌توانند زمینه‌ای برای کاربرد مفاهیم در بافت‌های مختلف فراهم کنند. مقاله "نوروز" از دکتر علی شریعتی نمونه‌ای از سطح به‌کار بستن است (شریعتی، 1389، ص 74).

"نوروز طلعه سال است و سال مظهر تمام عمر. و عمر در مسیر بازگشت است، بازگشت به آنچه بوده‌ایم. تاریخ هجرتی است از خدا تا خدا و نیز تاریخ، هجرتی طولانی از توحید به توحید است و ما در میانه این سفریم".

این متن با مفاهیم فلسفی و فرهنگی غنی، به زبان‌آموزان فرصت می‌دهد تا آموخته‌های خود را در موقعیت‌های جدید به کار گیرند. آن‌ها می‌توانند مفهوم "نوروز" را با جشن‌ها و مراسم مشابه در فرهنگ خود مقایسه کنند، مفاهیم چرخه زندگی و زمان را در زندگی روزمره به کار گیرند، یا از این مفاهیم برای توصیف و تحلیل تجربیات شخصی خود استفاده کنند. همچنین، واژگان و اصطلاحات مرتبط با مفاهیم زمان، سال نو و تحول را می‌توانند در گفتگوها و نوشته‌های خود به کار گیرند.

نمونه دیگر از متون مناسب برای سطح به‌کار بستن، بخشی از کتاب "کویر" اثر دکتر علی شریعتی است که با زبانی تصویری و استعاری، مفاهیم عمیق انسانی را بیان می‌کند (شریعتی، 1389، ص 74)

"دوران کودکی خانه‌ای است که از آن بیرون می‌آییم، و در تمام عمر، خاطره‌های رنگین‌اش دائماً زنگوله‌هایی است که از دور به گوش می‌رسد و هیچ‌گاه این نوای نوازش‌گر و لبخندآور، در غوغای زندگی فراموش نمی‌شود".

این متن به زبان‌آموزان امکان می‌دهد تا استعاره "کودکی به‌مثابه خانه" را در موقعیت‌های جدید به کار گیرند. آن‌ها می‌توانند از این استعاره برای توصیف تجربیات خود از دوران کودکی استفاده کنند، یا آن را در نوشته‌های خلاقانه خود به کار گیرند. همچنین می‌توانند مفهوم "زنگوله‌های خاطره" را برای توصیف یادآوری خاطرات گذشته در زندگی روزمره استفاده کنند. این متن با وجود سادگی نسبی، امکان کاربرد گسترده‌ای در موقعیت‌های مختلف زبانی و فرهنگی فراهم می‌آورد.

• سطح تحلیل

در سطح تحلیل، زبان‌آموزان باید بتوانند متن را به اجزای تشکیل‌دهنده آن تجزیه کرده و روابط میان این اجزا را تشخیص دهند. آن‌ها باید ساختار، سازمان‌دهی و اصول حاکم بر متن را درک کنند. متون ادبی پیچیده با لایه‌های معنایی چندگانه و تکنیک‌های ادبی متنوع برای تقویت این سطح مناسب هستند. شعر "مرغ آمین" از مهدی اخوان ثالث نمونه‌ای از سطح تحلیل است (اخوان ثالث، 1357، ص 42).

مرغ آمین، غمگین و سنگین، در عبور است

چشم‌هایش را به خاکستر نشسته شعله‌ای از یاد رفته،

بال‌هایش را فرو پیچیده در باران و تنهایی

سکوتش آشنایی دارد با طوفان و توفیدن

این شعر با تصاویر پیچیده و لایه‌های نمادین، به زبان‌آموزان امکان می‌دهد تا مهارت‌های تحلیلی خود را تقویت کنند. آن‌ها می‌توانند نمادهای به کار رفته در شعر (مانند "مرغ آمین" به عنوان نماد امید و آرزو) را تحلیل کنند، ساختار زبانی شعر را بررسی کنند (مانند استفاده از صفات "غمگین و سنگین" و تأثیر آن‌ها)، و ارتباط این عناصر را با مفاهیم اجتماعی و سیاسی زمان شاعر تحلیل نمایند. همچنین می‌توانند تصاویر شعری مانند "چشم‌هایش را به خاکستر نشسته شعله‌ای از یاد رفته" را در ارتباط با فضای کلی شعر و پیام آن تجزیه و تحلیل کنند.

نمونه دیگر از متون مناسب برای سطح تحلیل، شعر "آی آدم‌ها" از نیما یوشیج است که با زبانی ساده اما با ساختار شعری نو و پیچیده، مفاهیم اجتماعی عمیقی را مطرح می‌کند.

آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته، شاد و خندانید! یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید

در این شعر، زبان‌آموزان می‌توانند تقابل‌های دوگانه (ساحل/دریا، شادی/مرگ، امنیت/خطر، بی‌تفاوتی/تقلا) را شناسایی و تحلیل کنند. آن‌ها می‌توانند ساختار خطابی شعر و نقش آن در برقراری ارتباط مستقیم با خواننده را بررسی کنند. همچنین می‌توانند ارتباط این عناصر را با پیام اجتماعی شعر درباره بی‌تفاوتی انسان‌ها نسبت به یکدیگر تحلیل کرده و نقد کنند. این شعر با وجود سادگی زبانی، لایه‌های معنایی متعددی دارد که نیازمند تحلیل دقیق و چندجانبه است.

• سطح ترکیب

در سطح ترکیب، زبان‌آموزان باید بتوانند اجزا و عناصر مختلف را با هم ترکیب کرده و یک کل جدید و منسجم بسازند. این سطح شامل خلاقیت و نوآوری در استفاده از اطلاعات و مفاهیم است. متون ادبی با ساختارهای پیچیده و چندبعدی که جنبه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی و اجتماعی را در برمی‌گیرند، برای تقویت این سطح مناسب هستند. داستان "سوشون" از سیمین دانشور نمونه‌ای از سطح ترکیب است (پنجاه‌دمخیاوی، 1403، ص 94).

"زری گفت: «من خواب دیدم. تو قهرمان بودی یوسف. زیر گنبدی ایستاده بودی که می‌درخشید.» یوسف دست زری را رها کرد و گفت: «من؟ قهرمان؟ من فقط کاری را که درست و قانونی و انسانی بود انجام می‌دادم. من حتی جرئت سگ‌کشی هم ندارم. (دانشور، 1348، ص 21).

این رمان با لایه‌های تاریخی، اجتماعی و نمادین پیچیده، به زبان‌آموزان امکان می‌دهد تا عناصر مختلف را ترکیب کرده و به درک جدیدی از مفاهیم برسند. آن‌ها می‌توانند مفاهیم مرتبط با مقاومت، قهرمان‌گرایی، و هویت ملی را با شرایط تاریخی ایران در دوره اشغال توسط متفقین ترکیب کنند و تحلیل جدیدی از نقش افراد در مواجهه با ظلم و استبداد ارائه دهند. همچنین می‌توانند عناصر نمادین داستان مانند "خواب زری" و "گنبد درخشان" را با مفاهیم فرهنگی و تاریخی ایران ترکیب کرده و تفسیر نوینی از قهرمان‌گرایی در فرهنگ ایرانی ارائه دهند.

نمونه دیگر از متون مناسب برای سطح ترکیب، رمان "جای خالی سلوچ" اثر محمود دولت‌آبادی است که با زبانی تصویری و ساختاری پیچیده، به بررسی تحولات اجتماعی و اقتصادی روستاهای ایران می‌پردازد (دولت‌آبادی، 1357، ص 12).

"مرگان در دل پاییز، در سرمای پیش از سپیده، در میان کومه کوچک کاهگلی، چشم گشود و سلوچ را نیافت. سلوچ، شوهر مرگان، در کنار زن نبود. پس کجا می‌توانست باشد؟"

این متن به زبان‌آموزان امکان می‌دهد تا عناصر مختلفی مانند فقر روستایی، مهاجرت، نقش زنان در خانواده روستایی، و تغییرات اجتماعی-اقتصادی را با هم ترکیب کرده و به تحلیلی جامع از وضعیت روستاهای ایران در دوران گذار به مدرنیته برسند. آن‌ها می‌توانند نمادهای موجود در داستان را با شرایط تاریخی و اجتماعی ایران پیوند داده و تفسیری نو از روند تحولات روستایی ایران ارائه دهند. همچنین می‌توانند با ترکیب عناصر مختلف داستان، به تحلیلی از نقش جنسیت و هویت زنانه در جامعه سنتی ایران دست یابند.

• سطح ارزیابی

در سطح ارزیابی، بالاترین سطح شناختی بلوم، زبان‌آموزان باید بتوانند متون را ارزیابی کرده و درباره ارزش، اعتبار و کیفیت آن‌ها قضاوت کنند. این سطح شامل توانایی نقد، اظهار نظر منطقی و استدلال درباره متون است. متون ادبی پیچیده با دیدگاه‌های فلسفی و اجتماعی عمیق، برای تقویت این سطح مناسب هستند. "بوف کور" از صادق هدایت نمونه‌ای از سطح ارزیابی است.

"در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را آهسته در انزوا می‌خورد و می‌تراشد. این دردها را نمی‌شود به کسی اظهار کرد، چون عموماً عادت دارند که این دردهای باورنکردنی را جزو اتفاقات و پیش‌آمدهای نادر و عجیب بشمارند و اگر کسی بگوید یا بنویسد، مردم بر سبیل عقاید جاری و عقاید خودشان سعی می‌کنند آن را با لبخند شکاک و تمسخر آمیز تلقی بکنند (هدایت، 1316، ص 52).

این اثر پیچیده و چندلایه، به زبان‌آموزان امکان می‌دهد تا در بالاترین سطح شناختی، به ارزیابی و قضاوت بپردازند. آن‌ها می‌توانند دیدگاه‌های فلسفی و روان‌شناختی موجود در متن را ارزیابی کنند، اعتبار و صحت مفاهیمی چون "انزوا" و "دردهای باورنکردنی" را در زمینه‌های مختلف بسنجند، و اهمیت ادبی و فرهنگی اثر را در ادبیات مدرن ایران قضاوت کنند. همچنین می‌توانند با استدلال و شواهد متنی، درباره تأثیر این اثر بر جامعه و فرهنگ ایران و نیز ارتباط آن با جریان‌های ادبی جهانی مانند سوررئالیسم و اکزستانسیالیسم نظر دهند.

نمونه دیگر از متون مناسب برای سطح ارزیابی، بخشی از رمان "کلیدر" اثر محمود دولت‌آبادی است که با زبانی پیچیده و فلسفی، مفاهیم عمیق اخلاقی و انسانی را مطرح می‌کند.

"بی‌گناه آن‌کس است که نتواند گناه کند. آن‌که می‌تواند گناه کند، و گناه نمی‌کند، گناهکار واقعی است. گناهکار واقعی، کسی است که گناه را می‌شناسد، و گناه می‌کند. و از درون، خود را می‌سوزد و خاکستر می‌کند".

این متن فلسفی و پیچیده به زبان‌آموزان امکان می‌دهد تا به ارزیابی عمیق مفاهیم اخلاقی مانند "گناه"، "مسئولیت‌پذیری" و "آگاهی اخلاقی" بپردازند. آن‌ها می‌توانند این دیدگاه فلسفی را با نظریه‌های اخلاقی مختلف مقایسه کرده و درباره اعتبار و کاربرد آن در موقعیت‌های مختلف قضاوت کنند. همچنین می‌توانند ارتباط این دیدگاه را با فرهنگ و ادبیات ایرانی و جهانی بررسی کرده و نظر شخصی خود را با استدلال‌های منطقی و منسجم ارائه دهند.

2.4. نمونه‌های بیشتر از متون ادبی مناسب برای تقویت تفکر انتقادی

پژوهش حاضر تاکنون به بررسی رابطه میان متون ادبی و سطوح مختلف شناختی بجوم پرداخته است. در ادامه، با تمرکز بر تفکر انتقادی به عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های شناختی، انواع مختلف متون ادبی مناسب برای تقویت این مهارت در زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان معرفی می‌شود.

• متون روایی کوتاه

داستان‌های کوتاه به دلیل فشردگی و ساختار منسجمشان، ابزار مناسبی برای تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی هستند. این داستان‌ها با طرح موضوعات پیچیده در قالبی موجز، زبان‌آموزان را به تفکر عمیق و تحلیل دقیق ترغیب می‌کنند. به‌ویژه داستان‌های کوتاه معاصر فارسی با مضامین اجتماعی و روان‌شناختی، زمینه مناسبی برای تقویت مهارت‌های تحلیلی و انتقادی فراهم می‌آورند. داستان "زنی که مردش را گم کرد" از زویا پیرزاد نمونه‌ای از متون روایی کوتاه است (پیرزاد، 1380، ص 21).

"آدینه عصر خانم نورایی ناهار را که می‌داد، دستمالی سر می‌بست، چادر سر می‌کرد و روسری روی چادر، گل‌هایش را آب می‌داد، بعد راه می‌افتاد به طرف قبرستان. می‌نشست سر قبر آقای نورایی و با او صحبت می‌کرد. کسی نمی‌دانست چی می‌گفت".

این داستان کوتاه با زبانی ساده اما پرمعنا، به موضوعات پیچیده‌ای چون هویت زنانه، تنهایی و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد. زبان‌آموزان می‌توانند لایه‌های پنهان روایت را کشف کرده و به تحلیل نقش‌های جنسیتی و هنجارهای اجتماعی در جامعه معاصر ایران بپردازند. آن‌ها می‌توانند درباره معنای "گم کردن مرد" در سطوح مختلف لفظی و استعاره‌ای بحث کنند و ارتباط رفتار شخصیت اصلی داستان با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی را تحلیل نمایند.

نمونه دیگر از متون روایی کوتاه، داستان "گلدان" اثر جلال آل‌احمد است که با زبانی موجز و تصویری، به مسائل اجتماعی و فرهنگی عمیقی می‌پردازد (آل‌احمد، 1341، ص 23).

"گلدان چینی را که دوست داشت، گذاشت وسط اتاق و نگاهش کرد. مال مادرش بود و مادرش آن را از مادر خودش به ارث برده بود. اتاق خالی بود و سرد. زمستان بود. بخاری نفتی اتاق را گرم نمی‌کرد. به گلدان نگاه کرد و بعد با مشت به آن کوبید. گلدان به هزار تکه تبدیل شد. بعد از آن همه چیز آسان‌تر به نظر می‌رسید".

این داستان کوتاه با تصویری بسیار ساده اما عمیق، مفاهیمی چون شکستن سنت‌ها، تقابل نسل‌ها، و رهایی از قید میراث گذشته را مطرح می‌کند. زبان‌آموزان می‌توانند نماد "گلدان چینی" را به عنوان میراث فرهنگی و سنت‌های خانوادگی تحلیل کنند و دلیل شکستن آن را از جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی بررسی نمایند. همچنین می‌توانند ارتباط این کنش نمادین را با تحولات اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران تحلیل کرده و درباره پیامدهای آن بحث کنند.

• اشعار معاصر

شعر معاصر فارسی با زبان نسبتاً ساده اما مفاهیم عمیق، برای تقویت سطوح بالای تفکر مناسب است. این اشعار، به‌ویژه اشعار نیمایی و سپید، با شکستن ساختارهای سنتی و ارائه تصاویر و مفاهیم جدید، زبان‌آموزان را به تفکر خلاق و انتقادی تشویق می‌کنند. شعر "ای آدم‌ها" از نیما یوشیج نمونه‌ای از اشعار معاصر است (یوشیج، 1336، ص 46).

ای آدم‌ها که بر ساحل نشسته، شاد و خندانید!

یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان

یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند

روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید

این شعر با ساختار نو و زبان تصویری قوی، مخاطب را به تفکر درباره مسئولیت اجتماعی و بی‌تفاوتی انسان‌ها نسبت به یکدیگر وامی‌دارد. زبان‌آموزان می‌توانند تقابل‌های موجود در شعر (ساحل/دریا، شادی/مرگ، امنیت/خطر) را تحلیل کرده و به نقد فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی بپردازند. همچنین می‌توانند ارتباط این شعر با مسائل اجتماعی معاصر را بررسی کرده و دیدگاه خود را درباره مسئولیت فردی و جمعی ارائه دهند.

نمونه دیگر از اشعار معاصر، شعر "صدای پای آب" از سهراب سپهری است که با زبانی ساده و تصویری، مفاهیم عمیق عرفانی و فلسفی را مطرح می‌کند.

"زندگی آب تنی کردن در حوضچه اکنون است زندگی جا نگذاشتن در کوچه‌های خاطره‌هاست زندگی یافتن هر روزه راز آن سرو است که به ما می‌گوید: زیبا باید زیست"

این شعر با زبانی ساده اما عمیق، مفاهیم فلسفی مانند "اکنون زیستی"، "رهایی از گذشته" و "زیباشناسی زندگی" را مطرح می‌کند. زبان‌آموزان می‌توانند استعاره‌های شعر مانند "آب تنی کردن در حوضچه اکنون" و "راز سرو" را تحلیل کرده و با مفاهیم فلسفی شرقی و غربی مقایسه کنند. همچنین می‌توانند ارتباط این دیدگاه فلسفی را با چالش‌های زندگی معاصر بررسی کرده و درباره کاربرد آن در زندگی روزمره بحث کنند.

• متون فلسفی-ادبی

متون فلسفی-ادبی فارسی به طور خاص برای تقویت سطوح بالای تفکر انتقادی مناسب هستند. این متون با طرح مسائل هویتی، فرهنگی و اجتماعی در قالبی ادبی، زبان‌آموزان را به تفکر عمیق و چندجانبه ترغیب می‌کنند. این آثار غالباً چالش‌های فکری و فلسفی را در بافت فرهنگی ایران مطرح می‌کنند. "غریزدگی" از جلال آل احمد نمونه‌ای از متون فلسفی-ادبی است.

"غریزدگی" را چنین معنی می‌کنم: مجموعه عوارض و علائمی که در زندگی و فرهنگ و تمدن و روش تفکر هر قومی ممکن است بروز کند که بی‌هیچ سنتی به‌عنوان روش زندگی و تفکر و فرهنگ جدیدی مستقیماً به صورت وارداتی در زندگی او وارد شده باشد".

این متن فلسفی-ادبی، مفهوم "غریزدگی" را به‌عنوان یک پدیده فرهنگی-اجتماعی مطرح می‌کند. زبان‌آموزان می‌توانند به تحلیل انتقادی مفهوم هویت فرهنگی، تقابل سنت و مدرنیته، و چالش‌های کشورهای در حال توسعه در مواجهه با فرهنگ غربی بپردازند. آن‌ها می‌توانند دیدگاه آل احمد را با دیدگاه‌های دیگر در این زمینه مقایسه کرده و اعتبار استدلال‌های او را ارزیابی کنند. همچنین، این متن زمینه‌ای برای بحث درباره مفاهیم مشابه در فرهنگ‌های مختلف فراهم می‌آورد.

نمونه دیگر از متون فلسفی-ادبی، بخشی از کتاب "هبوط در کویر" اثر داریوش شایگان است که با زبانی ادبی و استعاری، به تحلیل مسائل هویتی و فلسفی ایرانیان می‌پردازد (شایگان، 1356، ص 14).

"ما در برزخی میان دو جهان زندگی می‌کنیم: جهانی که هنوز نمرده است و جهانی که هنوز متولد نشده است. ما در میانه گذشته‌ای که نمی‌توانیم رهاش کنیم و آینده‌ای که نمی‌توانیم به آن دست یابیم، معلق مانده‌ایم. این برزخ، فضای تاریخی-فرهنگی ماست".

این متن فلسفی با زبانی استعاری، به تحلیل وضعیت هویتی و فرهنگی ایرانیان در عصر مدرن می‌پردازد. زبان‌آموزان می‌توانند مفهوم "برزخ" را به‌عنوان استعاره‌ای برای وضعیت میان سنت و مدرنیته تحلیل کرده و ارتباط آن را با چالش‌های هویتی در جوامع در حال توسعه بررسی کنند. همچنین می‌توانند این دیدگاه را با نظریه‌های دیگر درباره جهان سوم و پسااستعماری مقایسه کرده و به نقد و ارزیابی آن بپردازند.

• متون طنز و انتقادی

متون طنز فارسی با لایه‌های معنایی چندگانه و استفاده از کنایه و طعنه، ابزار مناسبی برای تقویت تفکر انتقادی هستند. این متون با نقد غیرمستقیم مسائل اجتماعی و سیاسی، زبان‌آموزان را به تفکر عمیق‌تر درباره ساختارهای قدرت و هنجارهای اجتماعی تشویق می‌کنند. "چرند و پرند" از دهخدا نمونه‌ای از متون طنز و انتقادی است (دهخدا، 1312، ص 45).

"آره جون خودم، برو! مگه ما نمی‌دونیم که شما قشون کشی کردید میان می‌کده و کوزه و شیشه‌های شراب را شکستید؟ بعضی‌ها ریختند توی گودال و چهار تا کلوخ انداختند روش... بعضی‌ها هم رو پشت بوم دفن کردند و سنگی روش گذاشتند، خواندند: لاحول... این‌ها کار چه کسی است؟"

این متن طنزآمیز با استفاده از زبان عامیانه و کنایه‌های تند، به نقد ریاکاری و دوگانگی در جامعه می‌پردازد. زبان‌آموزان می‌توانند لایه‌های پنهان طنز را کشف کرده و معانی ضمنی و انتقادی آن را تحلیل کنند. آن‌ها می‌توانند با درک کنایه‌ها و استعاره‌های متن، به نقد اجتماعی عمیق‌تری دست یابند و مصادیق مشابه در جوامع امروزی را شناسایی کنند. همچنین، این متن فرصتی برای آشنایی با زبان عامیانه و اصطلاحات کنایی فارسی فراهم می‌آورد.

نمونه دیگر از متون طنز و انتقادی، بخشی از داستان "موش و گربه" اثر عبید زاکانی است که با زبانی طنزآمیز و نمادین، به نقد روابط قدرت و ستم در جامعه می‌پردازد (زاکانی، 1340، ص 5).

"گربه‌ای بود گرسنه و ناتوان

شد به صحرا پی صید روان

چون بدیدش موشکی از دور

گفت: خرگوش است یا گاو ستور؟

چون رسیدش قصد او کرد آن دغا

موشک از بیم گربه خورد دوا"

این متن طنزآمیز با استفاده از شخصیت‌های حیوانی نمادین، به نقد روابط قدرت و ستم در جامعه می‌پردازد. زبان‌آموزان می‌توانند لایه‌های نمادین داستان را تحلیل کرده و ارتباط آن را با ساختارهای اجتماعی و سیاسی بررسی کنند. آن‌ها می‌توانند نماد "گربه" را به عنوان قدرت مستبد و "موش" را به عنوان توده مردم تحلیل کرده و به نقد روابط اجتماعی مبتنی بر زور و فریب بپردازند. همچنین می‌توانند کارکرد طنز را در بیان انتقادات اجتماعی و سیاسی ارزیابی کرده و با شیوه‌های دیگر بیان انتقادی مقایسه کنند.

5. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر جایگاه متون ادبی به زبان فارسی را در پرورش تفکر انتقادی زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان مورد بررسی قرار داده است. متون ادبی به‌دلیل ساختارهای پیچیده زبانی، معانی چندلایه و

پیچیدگی‌های فرهنگی‌شان، نقش مهمی در فرایند آموزش زبان ایفا می‌کنند. تفکر انتقادی به‌عنوان توانایی تحلیل، ارزیابی و قضاوت درباره اطلاعات، در زمینه آموزش زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مهارت به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا در سطوح بالاتر زبانی مانند استدلال منطقی و تحلیل پیچیده عملکرد بهتری داشته باشند. زبان‌آموزان از طریق تقویت تفکر انتقادی می‌توانند با متن‌های زبانی و فرهنگی به شکل مؤثرتری تعامل کنند. این پژوهش با طرح پرسش‌های مشخصی آغاز شد: ۱) متون ادبی مورد استفاده در آموزش زبان فارسی چگونه می‌توانند به تقویت سطوح مختلف شناختی بلوم در زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان کمک کنند؟ ۲) کدام انواع متون ادبی برای تقویت هر سطح شناختی مناسب‌تر هستند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، بررسی دقیق متون ادبی به زبان فارسی و تطبیق آنها با سطوح مختلف شناختی بلوم صورت گرفت. در این پژوهش بر روی شش سطح شناختی بلوم (دانش، فهمیدن، به‌کار بستن، تحلیل، ترکیب و ارزیابی) تمرکز شده است. روش تحقیق در این مطالعه بر تحلیل کیفی متون ادبی منتخب استوار شده است. در ابتدا ویژگی‌های زبانی، ساختاری و محتوایی متون با دقت بررسی و سپس این ویژگی‌ها با سطوح مختلف شناختی بلوم مطابقت داده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متون ادبی به زبان فارسی با ساختارهای گوناگون، توانایی تقویت سطوح مختلف شناختی را دارند. مطالعه تحلیلی متون مختلف نشان داد که در اکثر متون، یک سطح شناختی غالب است، اما این متون همزمان می‌توانند سطوح دیگر را نیز تا حدی پوشش دهند. تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد که ابیات سعدی و رباعیات خیام به دلیل ساختار موسیقایی، وزن و قافیه منظم، و استفاده از واژگان کلیدی در بافتی منسجم، بیشترین کارایی را در سطح دانش دارند. بررسی‌های زبان‌شناختی و ادبی روشن ساخت که ویژگی‌های ساختاری این متون، فرایند یادسپاری و ارزیابی اطلاعات را تسهیل می‌کند. غزلیات حافظ و اشعار سپهری با برخورداری از استعاره‌ها، تشبیهات و لایه‌های معنایی چندگانه، ظرفیت‌های فراوانی برای تقویت سطح فهمیدن دارند. این متون زبان‌آموزان را به فراتر رفتن از معنای ظاهری کلمات و درک روابط معنایی و مفهومی پیچیده‌تر هدایت می‌کنند. مطالعات نشان داد که آثاری چون "نوروز" و "کویر" شریعتی با ارائه مفاهیم فرهنگی و فلسفی در بافتی کاربردی، نقش مهمی در تقویت سطح به‌کار بستن ایفا می‌کنند. این متون زبان‌آموزان را قادر می‌سازند تا مفاهیم آموخته‌شده را در موقعیت‌های جدید به کار گیرند. در بررسی متون مناسب برای سطح تحلیل، اشعار نمادین مانند "مرغ آمین" اخوان ثالث و "آی آدم‌ها"ی نیما یوشیج به دلیل ساختار نمادین و چندلایه، قابلیت‌های ویژه‌ای نشان دادند. تحلیل این متون، نیازمند شناسایی اجزای مختلف و درک روابط میان آنهاست که به تقویت مهارت‌های تحلیلی زبان‌آموزان کمک می‌کند. پژوهش نشان داد که رمان‌های پیچیده مانند "سووشون" دانشور و "جای خالی سلوچ" دولت‌آبادی با عناصر متنوع داستانی، شخصیت‌پردازی چندبعدی و درونمایه‌های عمیق، در پرورش سطح ترکیب مؤثر هستند. این متون زبان‌آموزان را به ترکیب عناصر مختلف و دستیابی به درک جدیدی از واقعیت تشویق می‌کنند. در نهایت، آثار فلسفی مانند "بوف کور" هدایت و "کلیدر" دولت‌آبادی به دلیل پیچیدگی‌های فلسفی و پرسش‌های بنیادین، برای تقویت سطح ارزیابی مناسب تشخیص داده شدند. این متون زبان‌آموزان را به قضاوت درباره ارزش، اعتبار و کیفیت مفاهیم و ایده‌ها ترغیب می‌کنند. رویکردهای مختلف آموزشی شامل رویکرد دانش انتقادی، نقد نوین و واکنش خواننده در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هر یک از این رویکردها از زاویه‌ای متفاوت به متون ادبی می‌نگرند و مکمل یکدیگر در فرایند تقویت تفکر انتقادی هستند. متون ادبی به زبان فارسی منابعی غنی برای پرورش تفکر انتقادی به شمار می‌آیند. مدرسان زبان فارسی می‌توانند با برنامه‌ریزی هدفمند و استفاده از رویکردهای آموزشی مناسب، از این ظرفیت برای تقویت مهارت‌های شناختی زبان‌آموزان به‌طور مؤثر بهره ببرند.

منابع

- ابوالحسنی چیمه، زهرا؛ عضدانلو، مهتاب؛ شاه حسینی، وحید. (1395). نقش مهارت های تفکر انتقادی بر مهارت خواندن زبان انگلیسی زبان آموزان با رویکرد کاربردشناسی. *پژوهش های زبانشناختی در زبان های خارجی*. صص 225-248. https://jflr.ut.ac.ir/article_62817.html
- احمدی، مهرداد؛ سعادت، امیر حسین؛ احمد خانی، حمید؛ اسدی، مرتضی. (1403). مهارت های تفکر انتقادی در آموزش: بررسی نقش تفکر انتقادی در آموزش و راهبردهای ارتقای مهارت های تفکر انتقادی در دانش آموزان *بومین کنفرانس بین المللی مطالعات مدیریت، فرهنگ و هنر* (47-33). ایران.
- اکبریان دهقانی، زهرا؛ خوشبخت، فریبا؛ شمشیری، بابک. (1400). مقایسه ی تاثیر آموزش به روش فیک و آموزش به شیوه ی تفکر انتقادی (بر اساس نظریه بلوم) بر انشا نویسی و مهارت تفکر انتقادی در دانش آموزان پایه ی پنجم ابتدایی *دانشگاه شیراز - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی*. ایران. 54-23.
- امینی، کیمیا. (1398). بررسی مهارت های تفکر انتقادی در متون داستانی کتاب فارسی دوم دبستان (با رویکرد به نظریه ریچارد پل) *بومین همایش بین المللی زبان و ادبیات فارسی*. ایران. 20-15.
- پارسا پور، زهرا. (2025). لزوم توجه به نقد بومگر در خوانش آثار ادبی. *فصلنامه زبان ها، دانشگاه بغداد، دانشکده زبان های خارجی*، شماره 51، صص 284-271. <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2025.0.51.0271>
- پنازاده خیاوی، شبنم. (1403). *سوشون از منظر بینامتنیت* (برداشتی آزاد از داستان سوشون سیمین دانشور) *موسسه نشر سیمیرغ آسمان آنگران*. تهران. 94-100.
- تیمورزاده، فردین؛ نجفی، حبیبه. (1400). تاثیرگذاری و تاثیر پذیری مهارت نرم بر تفکر انتقادی و رفتار نوآورانه مدیران مدارس (با رویکرد روش شناسی دیمتل). *نشریه آموزش و پرورش متعالی*. شماره 3. صص 63-74. https://journals.iau.ir/article_691393.html
- حایری، محمدحسن؛ حسن زاده نیری، محمدحسن؛ بیلاقی، مهدی. (1386). *لسان الغیب، نظریه واکنش خواننده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی*. 46-58.
- حجتی، محمد؛ صائمی، حسن؛ شریعت نیا، کاظم؛ بیاتی، علی اصغر. (1400). *واکاوی مبانی و اهداف برنامه درسی آموزش مهارت های تفکر خلاق و انتقادی در دوره ابتدایی پژوهش در نظام های آموزشی*. شماره 53. صص 58-71. <https://elmnet.ir/doc/2358849-23712>
- حیاتی مهر، آیدا. (1400). عوامل موثر بر بهبود پرورش تفکر انتقادی دانش آموزان با رویکرد آموزش و پرورش *هشتمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی*، ایران. 25-16.
- خمامی، اکرم اقبالی؛ اسماعیل زاده، یوسف. (1402). *پیشگامان نقد ادبی نوین در ادبیات فارسی هشتمین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان و ادبیات ملل*، ایران. 226-238.
- دیوسر، هدی. (2020). آیا برنامه های درسی مصوب تفکر انتقادی را منعکس می کند؟ اهداف آموزشی برنامه های درسی مصوب رشته ادبیات انگلیسی در پرتو طبقه بندی بازنگری شده بلوم. *زبانشناسی کاربردی*. (1) 23. 29-55. <https://ijal.khu.ac.ir/article-1-3076-fa.html>

- سجادی راد، هادی؛ جهانی، جعفر؛ سروستانی، مریم شفیعی؛ محمدی، مهدی. (1400). طراحی الگوی آموزش تفکر انتقادی و اثربخشی آن بر مهارت های تفکر انتقادی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی https://journals.iau.ir/article_686908.html. 113-134.
- پژوهش در برنامه ریزی درسی. 134-113.
- شریعتی، علی. (1371). نوروز از نگاه دکتر علی شریعتی. *فصلنامه آشنا*، سال اول فروردین واردیبهشت، شماره 4. 74-250. <https://ensani.ir/fa/article/274015>
- عالی پور، نعمت اله، زنگنه، مهسا. (1401). مطالعه ای از قضاوت حرفه ای، رشد شناختی، مدل قضاوت متفکرانه، طبقه بندی بلوم، مهارت هایی در یادگیری تفکر انتقادی در آموزش حسابداری سومین کنفرانس بین المللی یافته های نوین در حسابداری، اقتصاد، مدیریت و بانکداری. ایران. 12-6
- عموآوبائی مقدم، محمد؛ خطابخش کوله پارچه، محمد؛ کریمی، فاطمه. (1400). نقش و جایگاه مهارت های تفکر انتقادی در بین دانش آموزان دوره ابتدایی نخستین همایش ملی ایده های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی. ایران. 55-68.
- قاسم‌نیا، شکوه، شعبانی، مهکامه. (1387). پرنده سخنگو: بر اساس حکایتی از مثنوی مولوی بکانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ایران. 32-24.
- موسوی، هما شاهرکنی؛ عباسی، عفت؛ گرامی پور، مسعود. (1398). تاثیر آموزش مهارت های تفکر انتقادی بر میزان رشد مهارت های اجتماعی و مهارت های شناختی دانش-آموزان پژوهش های تربیتی. 22-45. https://erj.khu.ac.ir/browse.php?a_id=407&sid=1&slc_lang=fa
- وکیلی فرد، امیررضا؛ تقی راد، محمد. (1400). آموزش زبان فارسی به غیرایرانیان: نگرش مدرسان درباره به کارگیری متون ادبی. *مطالعات بلاغی*، شماره 24، صص 235-264. https://journals.semnan.ac.ir/article_5303.html

References

- Aghaei, K., & Rad, E. M. (2018). On the interconnection between Bloom's critical thinking taxonomy & listening comprehension performance of Iranian EFL learners. *International Journal of English Language & Translation Studies*, 6(3), 22-31. <http://www.eltsjournal.org/archive/value6%20issue3/3-6-3-18.pdf>
- Abolhasani Chimeh, Z., Azdanloo, M., & Shahhosseini, V. (2016). The role of critical thinking skills on students' English reading skills with a pragmatic approach. *Linguistic Research in Foreign Languages*. pp. 225-248. https://jflr.ut.ac.ir/article_62817.html
- Ahmadi, M., Saadati, A. H., Ahmad Khani, H., & Asadi, M. (2014). Critical thinking skills in education: A study of the role of critical thinking in education and

strategies for improving critical thinking skills in students. *Proceedings of the Third International Conference on Management, Culture and Art Studies*. Iran.

- Akbarian Dehaqani, Z., Khoshbakht, F., & Shamshiri, B. (2013). Comparing the effect of FBK teaching method and critical thinking teaching (based on Bloom's taxonomy) on essay writing and critical thinking skills of fifth-grade students. *Faculty of Educational Sciences and Psychology*, Shiraz University. Iran.
- Amini, K. (2019). Investigating critical thinking skills in the fiction texts of the second grade Persian textbook (with an approach to Richard Paul's theory). *Third International Conference on Persian Language and Literature*. Iran.
- Alipour, N. , & Zanganeh, M. (1401). A Study of Professional Judgment, Cognitive Development, Reflective Judgment Model, Bloom's Taxonomy, Skills in Learning Critical Thinking in Accounting Education. *Third International Conference on New Findings in Accounting, Economics, Management and Banking*. Iran.
- Amavaobaie Moghadam, M. , Khattabakhsh Koleparche, M. , Karimi, F. (1400). The Role and Status of Critical Thinking Skills Among Elementary School Students. *The First National Conference on Applied Ideas in Educational Sciences, Psychology and Cultural Studies*. Iran.
- Deusar, H. (2020). Do Approved Curricula Reflect Critical Thinking? Educational Objectives of Approved Curricula in English Literature in the Light of Bloom's Revised Taxonomy. *Applied Linguistics*. 29-55. <https://ijal.khu.ac.ir/article-1-3076-fa.html>
- Divsar, H., & Jafarigohar, M. (2020). Do Official Curricula Reflect Critical Thinking? The Educational Objectives of the English Literature Curricula in Iran in the Light of Bloom's Revised Taxonomy. *Iranian Journal of Applied Linguistics*, 23(1). <https://ijal.khu.ac.ir/files/site1>
- Ghasem nia, S. , & Shabani, M. (2008). The Talking Bird: Based on a Tale from Rumi's Masnavi. *Center for Intellectual Development of Children and Adolescents*. Iran.
- Hassan, K. E., & Madhum, G. (2007). Validating the Watson Glaser critical thinking appraisal. *Higher Education*, 54, 361-383. <https://www.researchgate.net/publication/225486765>
- Hayeri, Mohammad Hassan, Hassan Zadeh Nayiri, Mohammad Hassan, Yilaghi, Mehdi. (2007). *Lisan al-Ghayb, Reader Response Theory*. Ministry of

- Science, Research and Technology - Allameh Tabatabaei University - Faculty of Literature and Foreign Languages.
- Hojjati, M. , Saemi, H. , Shariatnia, K., & Bayati, A. A. (2001). Analysis of the principles and objectives of the curriculum for teaching creative and critical thinking skills in elementary school. *Research in educational systems*. Issue 53. pp. 58-71. <https://elmnet.ir/doc/2358849-23712>
- Hayati Mehr, A. (2001). Factors affecting the improvement of students' critical thinking with an education approach. *The 8th International Conference on Psychology, Educational Sciences and Lifestyle*, Iran.
- Jebeliadeh, P., Nourian, M., & Azedolmolki, S. (2025). Presenting a Model of Elementary Schools Persian Curriculum Objectives Based on Critical Thinking. *Thinking and Children*, 15(2), 23-63. <https://www.magiran.com/paper/2865702>
- Kohzadi, H., Azizmohammadi, F., & Samadi, F. (2014). Is there a relationship between critical thinking and critical reading of literary texts: A case study at Arak University (Iran). *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, (33), 63-76. <https://www.learntechlib.org/p/176611/>
- Khommami, A. E. , & Esmail Zadeh, Y. (2002). Pioneers of Modern Literary Criticism in Persian Literature. *8th International Conference on the Study of Languages and Literatures of Nations*, Iran.
- Mohammadinia, I. (2018). "The Old Man and the Sea" Made a Lasting Impression with Najaf Daryabandari. *Monthly Art and Experience*, No. 9 (May), 130. <https://www.magiran.com/p1814052>
- Mousavi, H. S., Abbasi, E. , & Geramipour, M. (2019). The Effect of Teaching Critical Thinking Skills on the Growth of Social Skills and Cognitive Skills of Students. *Educational Research*. 22-45. https://erj.khu.ac.ir/browse.php?a_id=407&sid=1&slc_lang=fa
- McRae, J. (2014). *Representational language learning: from language awareness to text awareness*. In *Language, literature and the learner* (pp. 16-40). London: Routledge.
- Parsapour, Z. (2025). The necessity of paying attention to ecocritical criticism in reading literary works. *Journal of the College of Languages (University of Baghdad)*, 51, pp. 271-284. <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2025.0.51.0271>

- Panahzadeh Khaiavi, S. (1403). *Sovshun from the perspective of intertextuality*. Tehran: Simorgh Aseman Azargan Publishing House.
- Rahman, S. A., & Manaf, N. F. A. (2017). A Critical Analysis of Bloom's Taxonomy in Teaching Creative and Critical Thinking Skills in Malaysia through English Literature. *English Language Teaching*, 10(9), 245-256.
<https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ1153951>
- Randall, M. (2008). Word Recognition Or Social Behaviour?: Literacy Issues In Second Or Foreign Language Readers Of English In Developing Countries. *Indonesian Journal of English Language Teaching*, 4(1), 26-41.
- Sartre, J. P. (1988). "What is literature?" and other essays. Cambridge: Harvard University Press.
- Shamsi, M., & Lashkarian, A. (2014). An ecocritical study on William wordsworth and Nader Naderpour's poetry. *Asian Journal of Multidisciplinary Studies*, 2(9), 132-141. <https://www.researchgate.net/publication/283088182>
- Shariati, A. (1371). Nowruz from the Perspective of Dr. Ali Shariati. *First year of March and April*, No. 4. <https://ensani.ir/fa/article/274015>
- Sajjadi Rad, H. , Jahani, J. , Sarvestani, M. S., & Mohammadi, M. (1400). Designing a Critical Thinking Teaching Model and Its Effectiveness on Critical Thinking Skills of Sixth Grade Elementary School Students. *Research in Curriculum Planning*. 113-134. https://journals.iau.ir/article_686908.html
- Teymurzadeh, F, & Najafi, H. (1400). The impact and impact of soft skills on critical thinking and innovative behavior of school principals (with a DEMETL methodological approach). *Journal of Transcendental Education*. Issue 3. pp. 63-74. https://journals.iau.ir/article_691393.html
- Vakili Fard, A. R., & Taghi Rad, M. (1400). Teaching Persian to Non-Iranians: Teachers' Attitudes About Using Literary Texts. *Rhetorical Studies*, 24, pp. 235-264. https://journals.semnan.ac.ir/article_5303.html
- Bloom, B. S., Engelhart, M. D., Furst, E. J., Hill, W. H., & Krathwohl, D. R. (1956). *Handbook I: cognitive domain*. New York: David McKay.

تحليل دور النصوص الأدبية الفارسية في تعليم مهارات التفكير النقدي لمتعلمي اللغة غير الناطقين بالفارسية وفق المنهج المعرفي لبلوم

عقيل فاضل كريم شريدة

قسم الدراسات الكردية، مديرية تربية الكرخ الثانية، وزارة التربية

المستخلص

تعمل النصوص الأدبية بوصفها واحدة من الأدوات الرئيسة في تطوير المهارات المعرفية والتفكير النقدي لدى متعلمي اللغة، ومع الهياكل اللغوية المعقدة، والمعاني متعددة الطبقات، والموضوعات الفلسفية والأخلاقية، تشجع هذه النصوص المتعلمين على التفكير بشكل أعمق وتقييم محتويات مختلفة، والهدف الرئيس من هذا البحث هو تحليل وتقييم تأثير النصوص الأدبية باللغة الفارسية على تعزيز مهارات التفكير النقدي لدى متعلمي اللغة غير الناطقين بالفارسية باستعمال منهج بلوم للأهداف التعليمية، ويسعى هذا البحث للإجابة عن الأسئلة الآتية: (١) كيف يمكن للنصوص الأدبية المستخدمة في تعليم اللغة الفارسية أن تساعد في تعزيز المستويات المعرفية المختلفة لبلوم لدى متعلمي اللغة غير الناطقين بالفارسية؟ (٢) ما هي أنواع النصوص الأدبية الأكثر ملاءمة لتعزيز كل مستوى معرفي؟

في هذا البحث، تم استعمال طريقة تحليل المحتوى النوعي للنصوص الأدبية المختارة، وفي هذه الطريقة تمت مطابقة السمات اللغوية، والبنوية والمحتوى للنصوص مع المستويات المعرفية المختلفة لبلوم (المعرفة والفهم والتطبيق والتحليل والتركيب والتقييم). وأظهرت نتائج هذا البحث أن النصوص الأدبية باللغة الفارسية ذات الهياكل المتنوعة مناسبة لتعزيز المستويات المعرفية المختلفة، على الرغم من أن في كل نص، يهيمن مستوى معرفي واحد، بناءً على تحليل التكرارات، كانت أبيات سعدي هي الأكثر ملاءمة لمستوى المعرفة، وكانت غزليات حافظ وأشعار سهراب أقرب لمستوى الفهم، و"نوروز" لشريعتي للتطبيق، و"طير أمين" و"يا أيها الناس" للتحليل، و"سوشون" و"المكان الخالي لسلوچ" للتركيب، و"البومة العمياء" و"كليدر" للتقييم لديهم فعالية أكبر. يمكن لمناهج المعرفة النقدية، والنقد الحديث، وتفاعل القارئ أن تعمل أيضاً بوصفها استراتيجيات تعليمية تكميلية في تنمية التفكير النقدي لدى متعلمي اللغة غير الناطقين بالفارسية.

الكلمات المفتاحية: تعليم اللغة الفارسية، التفكير النقدي، تصنيف بلوم، المهارات المعرفية، متعلمو الفارسية غير الناطقين بها.